

هشدار!

به کمونیستها و فعالین آزادیخواه

خیزش توده های زحمتکش علیه فقر و فلاکت، گرانی، تورم و تبعیض و نابرابری به راه خود ادامه میدهد. جمهوری اسلامی در بحران های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و بحران مشروعیت غرق شده و راه برون رفت ندارد.

جنبش سرنگونی انقلابی در ایران علاوه بر ماشین سرکوب رژیم، نیروهای ارتجاعی و مخرب را هم در مقابل خود دارد. در جریان خیزش جاری در صفوف ارتجاع، وپروس اپوزیسیون ارتجاعی و باند سیاهی، از پهلویست ها تا مجاهد و باندهای فاشیست کرد که نه پایه اجتماعی جدی دارند و نه قدرت بسیجی، از طریق میدیای دست راستی در بوق و کرنا دمیده و به جامعه تزریق میگردند. وپروسهای ضد انقلابی و ضد اعتراض رادیکال کارگری و مردمی که سناریوی خون پاشیدن به اعتراضات مردم را در دستور خود قرار داده اند.

نیروهایی که خود قدرت بسیج ندارند با سرمایه گذاری روی فقر و محرومیت و خشم و عصیان مردم، دست به تحریک، ایجاد تشنت و ناامنی در اعتراضات میزنند. نیروهای حاشیه ای که تلاش هایشان برای موج سواری شکست خورده و قدرت اجتماعی به کجراه بردن اعتراضات توده ای را ندارند، امروز رسماً با راه اندازی باندهای مزدور و مسلح علیه مخالفین خود، با اعلام قیام مسلحانه، با به میدان آوردن زودرس اسلحه در اعتراضات سیاست به خون کشیدن اعتراضات را همین امروز در دستور خود قرار داده اند. این نیروها در کنار دستگاه سرکوب و باندهای درونی جمهوری اسلامی بانی به خون کشیدن اعتراضات و زندگی مردم اند.

فرقه رجوی فرمان قیام مسلحانه و تسخیر مراکز نظامی را صادر کرده است. گویا قرار است "کانون های شورشی" مجاهدین، "شهرها را آزاد کنند و سپس تحویل شوراهای محلی" بدهند!

کانگستریسم دولتی و آدم ربایی

صفحه ۸

گسترش اعتصابات و اعتراضات به فقر

صفحه ۴

گورتان را کم کنید و دست از سر مردم ایران بردارید!

صفحه ۵

اعتراضات سراسری و مردم آزادیخواه در کردستان

صفحه ۷

دست جانیان از زندگی مردم ایران کوتاه

آسو فتوحی

مردم ایران بار دیگر به خیابان ها آمده اند؛ نه برای اصلاح، نه برای ترمیم، نه برای جابهجایی مهره ها، بلکه برای پایان دادن به فقر، فلاکت، بی حقوقی، در یک کلام برای آزادی، رفاه، امنیت و برای سرنگونی کامل حاکمیت جمهوری اسلامی. این خیزش، اعتراض به بخشی از نظام نیست بلکه رویارویی مستقیم با تمامیت نظام سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک حاکم است؛ با کل هیئت حاکمه و همه ابزارهای سرکوب، استثمار و کنترل اجتماعی آن است.

صفحه ۳

وقت تعیین دستمزدها؛

وقتی دولت نمیتواند؛ اما آیا کارگران میخواهند آستین بالا بزنند؟

مصطفی اسدپور

مساله تعیین دستمزد کارگران با شروع خیزش اعتراض سراسری بیش از همیشه به یک امر سیاسی تبدیل شد و مرز کارخانه ای خود را پشت سر گذاشت. به همین دلیل بلیشو و آشفتگی برای بیان وضعیت حاکم ایدا کافی نیست. ارقام و اعداد بدون آنکه تعیین سرمنشاء آنها ممکن و یا حتی بدوا اعتبار این اعداد از اهمیت برخوردار باشد از رسانه های معتبر سیاسی به سمت مجلات سرگرم کننده و تابلوید شایعات نقل مکان داد. درست در شباهت با قیمت موبیل یا قیمت تخم مرغ در عمده فروشی های شهرهای مختلف در طول یک روز معین در نوسان سینوسی حتی تنمه باقیمانده از توجه خود را از کف داده است. این طبیعی بود.

در اوضاع وخیم بازار و تغییرات سریع و دیگر بدون دلیل بالا رفتن قیمت ارز و بدنبال آن سطح تورم، حدس و گمان حول دو شاخص اساسی تعیین دستمزدها یعنی اولی تعیین سبد معیشت و دومی همان رقم تخمینی تورم دیگر وزیر کار را نیز از فشار تشریح سیاست وزارت متبوع در زمینه دستمزدها خلاص میساخت.

صفحه ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

کنند. سیاستهایی که اگر این باندهای جنایتکار بتوانند به کمک موساد در ایران اجرا کنند، ایران را به سوریه و لیبی دیگری تبدیل میکند.

ویروس پهلوی، مجاهد و "سپاه ملی کرد" ویروس وارداتی اند. ویروسهایی که سناریوی عراقیزه کردن ایران را در هماهنگی با دولتهای ارتجاعی در دستور دارند. از "کانون های شورشی" تا "گارد جاویدان" و "سپاه ملی کرد" همه و همه ابزارهایی برای ممکن کردن این سناریو اند. مردم از این ویروسها متنفرند و از آنها فاصله میگیرند.

تحركات جدید این نیروها هشدار است به همه کمونیستها، به همه فعالین و رهبران صفوف طبقه کارگر و زحمتکشان و جوانان در ایران برای زدن دست رد بر سینه این سیاستهای تبهکارانه و بستن سدی در مقابل آن است.

شکی نیست مردم بپاخاسته و معترض حق دارند از هر وسیله و سلاحی برای دفاع از خود و شکست دشمن استفاده کنند. اما فرستادن جوانان به جنگ زودرس به قتلگاه بردن عامدانه آنان و اعتراضات توده ای است. دستور چاقوکشی علیه مخالفین سیاسی در صف اعتراضات توده ای تروریسم آشکار است.

شکی نیست که این رژیم تا دندان مسلح، نهایتا در یک قیام مسلحانه سرنگون می شود. اما فراخوان قیام رجوی و گارد فاشیستی پهلوی و سپاه ملی کرد نسخه به شکست کشاندن، تفرقه در صفوف متحد کارگران و زحمتکشان، ایجاد هرج و مرج و فروپاشی شیرازه جامعه و به راه انداختن جنگ داخلی است.

جنبش ما امروز به هر چه توده ای و میلیونی شدن و هر چه متحد و سازمانیافتگی فعالین در شبکه های اجتماعی و شوراهای محل کار و زندگی و محلات شهرها نیاز دارد. زمانی که خیابان ها و محل های کار و زندگی کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان ملو از ده ها و صدها هزار و میلیونی مردم شود، جنبش ما قدرتمند تر و کم دردم تر به روزهای قیام توده ای نزدیک میگردد!

فرمان قیام و تبلیغ دست بردن به ابزارهای جنگی و شبه جنگی نه فقط علیه دستگاه سرکوب که علیه مخالفین سیاسی، به یکی از موانع به میدان آمدن توده های هر چه بیشتر و میلیونی در شهرها تبدیل می شود و دست رژیم را برای کشتار و سرکوب وحشیانه تر باز می کند!

جنبش و خیزش گرسنگان راه خود را می رود و مستقل از حشرات صغیر و کبیر ارتجاع، با هوشیاری و چشمان باز هم اعتراض و مبارزه خود را متشکل و متحد و سراسری و فعالین و رهبران خود را محافظت می کند و هم آینده خود را میسازد. تضمین این امر کار ما کمونیستها، کار فعالین رادیکال و آزادیخواه است.

باید مردم معترض را در مقابل فراخوانهای قیام و کشیدن مردم به جنگی زودرس هوشیار کرد، باید قلم پای هر کسی که جرات میکند و در صف اعتراضات به هر دلیلی چاقو کشی میکند را شکست، باید با باندهای ارتجاعی و دست ساز همان رفتاری را کرد که مردم با بسیجی و لباس شخصی های رژیم میکنند. باید لباس شخصی های پهلوی و مجاهد و فاشیستهای کرد را با اردنگی از صفوف اعتراضی مردم بیرون کرد.

ما همه کمونیستها، همه فعالین آزادیخواه در بخشهای مختلف جامعه، از مراکز تولیدی، مراکز تحصیلی و دانشگاهها، فرهنگیان و پرستاران و، تا جنبش حق زن و جنبش کارگری را به تلاشی متحد برای مقابله با ارتجاع در هر دو جبهه هستیم. تلاشی متحد برای به شکست کشاندن سرکوب خونین اعتراضات و همزمان سناریوی سوریه ای کردن ایران و به خون کشیدن زندگی و اعتراض میلیونها انسان در ایران!.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۸ دی ۱۴۰۴ - ۸ ژانویه ۲۰۲۶

طی چند روز اخیر یکباره نیرویی بی نام و نشان به نام "سپاه ملی کرد" با اعلام آغاز "عملیات سراسری دفاع مشروع" اعلام موجودیت کرده و آمادگی خود برای ورود اسلحه به اعتراضات مردم را اعلام کرد. نیرویی که بیشک دست ساز دولتها و نیروهای باند سیاهی کرد و با هدف تبدیل اعتراضات قدرتمند توده ای به جنگی نابرابر با رژیمی تا دندان مسلح و سلاخی کردن مردم معترض است.

رضا پهلوی که علیرغم دستگاه گسترده تبلیغاتی و حمایت دست راستی ترین دولتها و نهادها و شخصیتهای سیاسی قادر نشد سرسوزنی حمایت توده ای را جلب کند، شکست خورده و ناتوان از تبدیل بازگشت به گذشته به هدف خیزشهای توده ای، دست به سازمان دادن عناصر چاقو کش، لات و لمپن و هسته های فاشیستی مزدور خود تحت عنوان "گارد جاویدان" شده است. دستور العمل پهلوی برای این هسته ها عمق سیاست ضد مردمی و جنایتکارانه این جریان را نشان میدهد.

فرامین پهلوی به گارد جاویدانش چنین است:

- در هسته های چند نفره در تجمعات مردم شعار "جاوید شاه" سر دهید.

- اگر کسی قصد داشت شعار های دیگری از قبیل اعتراضات مدنی، اعتراضات صنفی یا شعار به نفع سایر گروه ها بدهد او را با تیزبر و چاقو زخمی کنید. زخم آنقدر عمیق باشد بطوری که شخص مجبور به ترک تجمع شود.

- هر کسی گفت "زن زندگی آزادی" زنده اش نگذارید.

- هرکسی گفت "اتحاد"، استخوانهایش را خرد کنید.

شعار فقط "پهلوی" و "جاوید شاه" است.

"گارد جاویدان" رضا پهلوی، کپی دار و دسته شعبان جعفری، "شعبان بی مخ" سردهسته لاتها و محلهگردانهای که از طرف محمد رضا پهلوی برای بخون کشیدن اعتراضات مردم اجبر شده بود، است. رضا پهلوی فرزند خلف پدراست. اما این مرتجع نادان و مشاورین ابله او نمی فهمند که جامعه امروز ایران جامعه ۷۰ سال پیش، دوره کودتای ۲۸ مرداد محمد رضا پهلوی، نیست. این جامعه امروز به مراتب سیاسی تر، عمیق تر، رادیکال تر و هوشیار تر از آن دوره و نفوذ سوسیالیسم و آرمانهای عدالتخواهانه در آن بسیار عمیقتر از هر دوره ای است.

رضا پهلوی دست پیش گرفته است تا کاری که جمهوری اسلامی پس از قیام و تثبیت حاکمیت خود به آن دست زد را از همین امروز آغاز کند. قرار است با ضرب تیغ و چاقو اعتراضات و خیزش های اجتماعی را زیر پرچم و سلطه سلطنت طلبی در آورد و مخالفین را زنده نگذارد. اعوان و انصار سلطنت طلب عملا چه در خارج کشور و چه در داخل ظرفیت لمپنی و فاشیستی و حزب الهی گونه خود را به نمایش گذاشته اند. شعارهای ویروس پهلوی شبانه روز در میدیای دست راستی و پروپاگاند کثیف، تقلبی و جعلی چاکران و کاسه لیسان پهلوی تکرار و بر پیشانی اعتراضات مردم چسبانده می شوند.

رضا پهلوی مانند باندهای فاشیست کرد صاحب "سپاه ملی کرد" و فرقه مجاهد، نیروی ضد اجتماعی و متوهمی است که تصور می کند با دست بوسی "قصاب غزه"، با کمک به حمله نظامی اسرائیل و امریکا به ایران و مداحی سپاه و نیروی انتظامی و بسیج و حزب الله جمهوری اسلامی، به تاج و تخت بر باد رفته پهلوی بر میگردد. رضا پهلوی نه یک سیاستمدار بورژوا که موجود مفلوک و شکست خورده ای است که سیاست دامن زدن به کشمکش در درون اعتراضات و خیزشهای توده ای و به شکست کشاندن آن از درون، با اتکا به "گارد جاویدان چاقو کشان" خود، را در پیش گرفته است.

فرمان قیام مجاهدین، اعلام جنگ "سپاه ملی کرد" و فراخوان شاهزاده مفلوک که "خیابان را تسخیر کنید"، فرامینی خطرناک، ارتجاعی و ماجراجویانه در شرایط کنونی خیزش های جاری است. آنها امیدوارند با این تحریکات مخرب ارتش امریکا و اسرائیل، به فرمان ترامپ جنایتکار و به نام "دفاع" از مردم ایران، ایران را بمباران و مردم را به خانه های خود بفرستند و سوریه و لیبی دیگر ایجاد کنند و "جولانی های" ایران هم در رکاب اربابانشان به نان و نوایی برسند. این نیروها همان نقش ضد انقلابی ارتجاع حاکم علیه مردم را بازی می

وقت تعیین دستمزدها؛ مصطفی اسدپور

شورای عالی کار باید بی رونق ترین دوره حیات خود را پشت سر گذاشته باشد.

بحث بطور خلاصه این است که چه کسی می‌خواهد مدعی تعیین دستمزد باشد و چه کسی مدعی فرضی را به آن اندازه که لازم است جدی بگیرد. دولت و وزارت کار با هوا کردن فیل "حقوق شهروندی" زیر پای هر گونه ادعا و مدعی را خالی کرد. آیا دولت با تعطیل ارز ترجیحی علی‌الاصول توانایی تعیین بودجه را خواهد داشت؟ آیا تامین یارانه و بودجه کالابرگ یک میلیون تومانی اول ممکن است؟ چه کسی زیر بار تامین مواد موعود چهارچوبه کالابرگ اول خواهد رفت؟ با زبان ساده اوضاع در مقایسه با تشنج حاشیه اولین مورد افزایش قیمت بنزین بسیار خطرناک تر تفسیر میشود و خطرناک تر آنجاست که از طرف مقامات دولت و نظام ترجیحا بحث به زمین یارانه یا کالابرگ پاس داده میشود.

کسی نمیداند و گمان نیز ره بجایی نمیرد که گویا همزمانی بحث یارانه و کالابرگ دقیقا برای کاهش فشار ناشی از خیزش توده ای معماری شده است. اگر اینگونه باشد، هر روز که از روزهای گرم خیزش اعتراض توده ای میگذرد و با نزدیک شدن آخر اسفند و موعد تعیین دستمزدها باروت بسیار زیادتری برای انفجار دستمزدها روی هم انباشته میشود.

یارانه با کالابرگ مطرح شده از طرف بعضی از نیروهای درگیر مسائل کارگری انتخاب درست و واقعی را در مقابل روندهای آتی قرار نمیدهد. تامین کالاهای مورد نیاز بسیار بیشتر از وجه مالی جوابگوی نیازهای واقعی و فوری کارگران است و بعلاوه به فرض پرداخت وجه نقدی، در هر سطحی، همان مقدار فعلا قابل امید از مواد خوراکی را از دسترس دور میکند.

در وضعیت فعلی روشن ساختن افکار عمومی کارگری از اعماق و ابعاد بحران و فشارهای اقتصادی که در کمین نشسته است از اهمیت بیشتری برخوردار است. بخصوص که خود دولت و حاکمیت در مقابله با خیزش اعتراضی توده ای مجبور به احتیاط بیشتری هستند.

بیش از هر وقت دیگر دخالت رادیکال یک مرکز مهم کارگری میتواند صورت مساله را از بسیاری جهات زیر و رو کند. جواب مساله دستمزدها نزد کارگران است.

۱۸ دی ۱۴۰۴



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: [@radioneena60](https://youtube.com/radioneena60)

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

دست جانیان از زندگی... آسوفتوحی

در این خیزش مردم ایران تنها با یک دشمن نمی‌جنگند و خیزش جاری، همزمان در دو جبهه پیش می‌رود: از یکسو علیه حاکمیت جمهوری اسلامی که امروز، بیش از هر زمان، وحشت‌زده، متزلزل و بی‌پشتوانه در برابر اراده جمعی مردم ایستاده است؛ و از سوی دیگر علیه قدرت‌های امپریالیستی و دولت‌های غربی که در کمین نشستند تا این خیزش و اعتراضات را مصادره، منحرف یا خفه کنند.

جمهوری اسلامی؛ دشمنی در موضع ضعف: اعتراضات سراسری، عمیق و رادیکال مردم، حاکمیتی را به لرزه انداخته که دیگر حتی توان تولید "توهم مشروعیت" را نیز از دست داده است. خیابان، به میدان نبردی بدل شده که در آن مردم نه خواهان امتیاز، بلکه خواهان قدرت‌اند. هر گام این جنبش، کل ساختار سیاسی، اقتصادی و امنیتی جمهوری اسلامی را نشانه گرفته و امکان بازتولید آن را به چالش کشیده است.

قدرتهای امپریالیستی؛ دشمنی در لباس "حامی": در همین حال، دولت‌ها و جریانات غربی، که دهه‌ها در سرکوب، جنگ، کودتا در کشورهای مختلف نقش مستقیم داشته‌اند، دوباره با ادعای دفاع از "حقوق بشر" و "آزادی مردم ایران" وارد میدان شده‌اند.

بنیامین نتانیاهو، جنایتکار تحت تعقیب، با وقاحت تمام از "لحظه تعیین‌کننده" سخن می‌گوید و وعده می‌دهد که "آزادی، عدالت و حقوق بشر" را به ایران باز میگرداند؛ موساد پیام‌های رسانه‌ای صادر می‌کند و مدعی است "نیروهای ما در میدان هستند"؛ دونالد ترامپ با ژست دفاع از معترضان، از آمادگی برای دخالت نظامی سخن می‌گوید؛ و سناتور آمریکایی، لیندزی گراهام، با کلاه «Make Iran Great Again» همان نسخه پوسیده را دوباره تحویل میدهد.

در کنار این‌ها، سرمایه‌گذاری سنگین رسانه‌ای، رهبرسازی جعلی، تحریف مبارزات، جعل ویدیو و روایت‌سازی‌های هدفمند، یادآور همان پروژه‌ای است که زمانی خمینی را در زرق و برق "آزادی" پیچیدند و به مردم ایران قالب کردند است. پروژه‌ای که در یک چشم بهم زدن دود شد و هوا رفت.

این درحالیست که هر ناظری در این دنیا با نگاهی کوتاه به پرونده و کارنامه خونین مدعیان "آزادی" عیان‌تر از نیاز به بیان است. نسل‌کشی زنان و کودکان، بمباران کشورهای و مردم بی‌دفاع، زیرپا گذاشتن تمام قواعد ادعایی دموکراسی، جنگ‌های نیابتی، اشغال نظامی، تحریم‌های مرگبار و تقسیم مجدد جهان برای تثبیت هژمونی سرمایه. این نیروها، نه مدافع آزادی‌اند و نه دلسوز مردم؛ عباى دروغین حقوق بشر بر تن آن‌ها زیادی گشاد است.

جمهوری اسلامی نیز از این نمایش، چون "موهبتی آسمانی" در واپسین نفس‌های ننگین اش بهره می‌برد تا سرکوب را با برجسب "دخالت خارجی"، "جاسوسی" و "اغتشاش" تشدید کند. در واقع، دو دشمن، هر یک به‌نحوی، در یک نقطه به هم می‌رسند: ریختن خون مردم برای پیشبرد منافع خود.

خطر واقعی کجاست؟

خطر اصلی، نه فقط سرکوب عریان حکومت، بلکه سلاخی انقلاب مردم ایران به نام دفاع از آنان، با سناریوهای آشنای دخالت نظامی، رژیم‌چنج، اجماع‌سازی احزاب دست‌نشانده و پروژه‌های "سناریو سیاهی" است. این همان آینده شومی است که برای ایران خواب دیده‌اند؛ آینده‌ای که در آن، با باید خواست انقلابی مردم در خون خفه شود یا به حاکمیتی دروغین و وابسته تحویل داده شود.

تنها راه: قدرت از پایین

در این لحظه تاریخی، مردم معترض، انقلابی و آگاه باید پیش از هر چیز، مسئله قدرت را حل کنند. در شرایط ضعف قطعی حکومت تا مرز فروپاشی، باید بی‌درنگ شوراهای مردمی را به‌عنوان آلترناتیو واقعی قدرت، برخاسته از دل جامعه، اعلام و تثبیت کرد؛ شوراهایی که نه ابزار چانه‌زنی، بلکه به عنوان دولت جایگزین باید برای تثبیت آینده خیزش و خواست مردم نقش ایفا کنند.

قدرت باید از حاکمیت پوسیده جمهوری اسلامی سلب و کنترل جامعه به دست مردم بازگردد؛

اراده مستقیم توده‌ها باید تعیین‌کننده سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور باشد.

تنها با این راه است که می‌توان در برابر سناریوهای به خون کشیدن اعتراضات و زندگی مردم سد بست و دست نیروهای ارتجاعی، داخلی و خارجی را برای همیشه از انقلاب و آینده مردم ایران کوتاه کرد.

۷ ژانویه ۲۰۲۶

گسترش اعتصابات و اعتراضات به فقر

اعتراض به فقر و گرانی همه جانبه در حال گسترش است. از روز یکشنبه دامنه اعتراضات گسترش یافته و بازاریان نیز ابتدا در مناطق مختلف تهران و سرانجام دیروز و امروز در شهرهای، قشم، مشهد، کرمانشاه، اصفهان، کرج و همدان نیز دست به اعتصاب زده و تجمعات مختلفی در اعتراض به افزایش قیمت دلار و گرانی هر روزه انجام گرفته است. دامنه اعتراضات به دانشگاههای نیز سرایت کرده و تجمعات دانشجویی از دانشگاه تهران شروع شد و به دانشگاههای علامه طباطبائی، دانشگاه شریف، بهشتی، دانشگاه صنعتی اصفهان و یزد نیز کشیده شد. دانشجویان علاوه بر اعتراض به فقر با شعارهایی چون "نه پادگان نه بنگاه، درود بر دانشگاه"، "زن، زندگی، آزادی"، "دانشجو میمیرد، ذلت نمیپذیرد"، "فقر و فساد و بیداد، مرگ بر این استبداد"، "مفت خورهای دولت، توهین به شان ملت" و... علیه استبداد حاکم اعتراض کرده اند.

جمهوری اسلامی با گسیل نیروهای خود به مراکز مختلف تهران و شهرهای دیگر در تلاش است این اعتراضات را کنترل کند و مانع سراسری شدن و خصوصا پیوند خوردن این اعتراضات با اعتصابات در جریان در مراکز کارگری شود. در بسیاری از شهرها از جمله تهران گارد ویژه و ضد شورش را به میدان آورده اند و با گاز اشک آور و تهدید و حمله به تجمعات کوشیده اند، اعتراضات را خاموش کنند.

همزمان با اعتصاب بازار و گسترش به شهرهای دیگر و شروع اعتراضات در دانشگاهها، سخنگویان دولت و مقامات حکومتی وارد صحنه شده و با وعده های همیشگی میکوشند فضا را کنترل کنند. جمهوری اسلامی در کنار سرکوب جلسه اضطراری با نمایندگان بازاریان برگزار کرده و با وعده دادن امتیازات مالیاتی به آنان، وعده توزیع گسترده یارانه ها، برکناری رئیس بانک ملی، اعلام "شنیدن صدای اعتراضات تند" از طرف سخنگوی دولت و رئیس دیوان عالی کشور، تلاش میکند آبی بر آتش خشم مردم بریزد.

اعتراض به فقر و گرانی خصوصا چند ماه گذشته در سراسر ایران، در مراکز مهم صنعتی از کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها تا معادن در جریان بوده است. علاوه بر اعتصابات کارگری، اعتراضات هر روز بازنشستگان، پرستاران، معلمان و اقشار محروم روزانه در جریان است. پیوستن بازار به اعتراض و اعتصابات، بیان اوضاع وخیم اقتصادی و عمق فاجعه ای است که مدتهاست گلوی طبقه کارگر و اقشار محروم را فشرده است و به جدالی همه جانبه میان پایین جامعه و حاکمیت و کل بورژوازی ایران شکل داده است. جدالی که طبقه کارگر در محور و مرکز آن قرار گرفته است. دامنه فقر و فلاکت چنان بالا است که بخش عمده کارگران در مهمترین مراکز صنعتی هم زیر خط فقر زندگی میکنند. بر اساس آخرین گزارشهای صندوق بین المللی پول و نهادهای مختلف اکنون ۸۰ درصد از مردم ایران زیر خط فقر جهانی قرار دارند. طبق آمارهای مختلف کارگر شاغل در شهرهای بزرگ برای تامین نیازمندی های اولیه خانواده ای سه نفره باید دستمزد ماهانه اش حداقل چهار برابر شود و این در حالی است که با گرانی و افزایش سرسام آور روزانه هزینه ها، هر روز قدرت خرید طبقه کارگر و بخش محروم جامعه کمتر میشود.

مستقل از فقر مطلق که بورژوازی ایران و حکومتش با تعرض روزانه به زندگی طبقه کارگر و بخش محروم جامعه، تحمیل میکنند، کشمکشهای جهانی و منطقه ای، تهدیدات روزانه دولت فاشیست اسرائیل و امریکا به بهانه های واهی "امنیت" اسرائیل و با پرچم "خطر ایران هسته ای"، تحریمهای اقتصادی و... نیز فشار مضاعفی بر مردم ایران و خصوصا

طبقه کارگر وارد کرده و مستمسکی برای به سکوت کشاندن مردم توسط جمهوری اسلامی تبدیل شده است. جمهوری اسلامی به بهانه تحریمها و خطر جنگ و حمله خارجی فضای ناامنی و میلیتاریستی را گسترش، هزینه های نظامی و ارگانهای سرکوب خود علیه پایین جامعه را از جیب طبقه کارگر و محرومان جامعه چند برابر کرده است.

کارگران، فعالین زن و مرد کمونیست، رفقا!

بی تردید میتوان و باید در مقابل این توحش افسار گسیخته و تعرض همه جانبه به معیشت مردم ایستاد. فضای اعتراضی در جامعه بالا است و کسی به وعده های تکراری و ریاکارانه مقامات حکومت گوش نمیدهد. پایین جامعه علیه فقر و گرانی و استبداد و فضای نظامی در جوش و خروش است. هدایت اعتراضات توده ای در تمام عرصه ها از اعتصابات و اعتراضات کارگری تا اعتراضات هر روزه پرستاران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، زنان و... تا زندانیان و خانواده های آنها، کار شما، کار فعالین و رهبران رادیکال طبقه کارگر، کار رهبران و فعالین کمونیست اقشار محروم جامعه است. مهمترین پدیده سازماندهی اعتراضات توده ای، متحد کردن و به هم وصل کردن اقشار محروم زیر چتر پلتفرمی رادیکال و مهمترین مطالبات سراسری برای بهبود زندگی و پس زدن ماشین سرکوب و استبداد حاکم است.

ما قبلا هم گفته ایم، "آنچه امروز در بخش پیشرو جامعه، در میان فعالین و رهبران هوشیار طبقه کارگر، رهبران و فعالین جنبشهای اعتراضی و انقلابی، در جریان است، امر سازمان دادن صف جنبشی گسترده علیه فقر و فلاکت در دل فضای انفجاری و اعتراضی وسیع در جامعه است."

رفقا!

کارگران و اقشار محروم به شما و نقش رهبری شما در دل اوضاع حساس و اعتراضی کنونی چشم دوخته اند. رهبری اعتراضات توده ای و هدایت آن، از کسب پیروزی هایی معین تا پایان دادن قطعی به فقر و فلاکت و سرکوب، کار شما است. در این جامعه چه بورژوازی ایران و چه حکومت و سخنگویان آن در تلاش اند که فضا را آرام کنند و مردم را ناامید و وادار به قبول فلاکت کنند. در این جامعه کم نیستند نیروهای راست و ضد کارگری که با امکانات مالی و میدیای گسترده، میکوشند جهت اعتراضات را به سمتی ببرند که منافع آنان و دولتهای تا مغز استخوان مرتجع و ضد کارگر حامیشان را تامین کنند. هدایت هوشیارانه اعتراضات بر حق پایین جامعه برای رفاه و آزادی و عبور آن از تنگناها و تندبچههای مختلف و به پیروزی رساندن آن بر عهده ما است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)، همه شما رفقا، همه رهبران و فعالین کمونیست طبقه کارگر، فعالین رادیکال در صف پرستاران، معلمان، بازنشستگان، جنبش حق زن و نسل جوان و دانشگاهها را به تلاش مشترک برای متحد کردن و سازمان دادن و رهبری کردن اعتراضات کارگری و توده ای در همه جا فرا میخواند.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۰ دی ماه ۱۴۰۴ - ۳۰ دسامبر ۲۰۲۵

برای آزادی و برابری به حزب حکمتیست پیوندید

گورتان را کم کنید و دست از سر مردم ایران بردارید!

يك هفته از اعتراضات عليه افزایش قیمت دلار و گرانی و تورم سرسام آور میگذرد. اعتراضاتی که روز یکشنبه ۷ دیماه با اعتصاب بازار و کسبه در تهران شروع و به شهرهای مختلف ایران گسترش یافت. جمهوری اسلامی موفق شد با دادن امتیازاتی به بازاریان و اصناف، بازار را آرام کند. اما اعتراضات علیه فقر و فلاکت و گرانی لجام گسیخته نه از بازار شروع شد و نه به بازاریان محدود ماند. جامعه ایران مدت زیادی است میدان يك کشمکش همه جانبه طبقه کارگر و بخش محروم جامعه و مردم آزادیخواه با بورژوازی ایران و حکومتش، علیه فقر، گرانی، بی حقوقی، زن ستیزی، زندان، اعدام و استبداد است. ورود بازاریان و اصناف به اعتراض علیه گرانی، بیان عمق فاجعه در این جامعه است که حتی صدای بازار را هم در آورده است.

با شروع اعتصاب بازاریان و اصناف و گسترش آن به دانشگاهها و اعتراضات در شهرهای مختلف ایران، دولتهای مرتجع آمریکا و اسرائیل در کمال وقاحت و به روال همیشه، تلاش کردند کشمکش قدیمی خود با جمهوری اسلامی را، به اعتراضات مردم آزادیخواه ایران آویزان کنند. تلاش کردند بار دیگر فشار خود به جمهوری اسلامی را در لباس "دفاع" از مردم ایران بپوشانند. روسای دولت جنایتکار اسرائیل، قاتلین صدها هزار انسان در فلسطین و منطقه، پرچم "حمایت" از مردم ایران را بلند کردند. این بار سازمان جاسوسی اسرائیل "موساد"، مرکزی که در جهان به عنوان مخرب ترین مرکز جنایت و ترور و نسل کشی، مورد نفرت عموم است، با بی شرمی بی نظیری، مردم ایران را خطاب قرار داد و از آنها خواست که به اعتراضات خود ادامه دهند و اعلام کرد که آنها نیز در خیابانها در کنارشان هستند!!! دونالد ترامپ لباس "دفاع" از مردم ایران به تن کرد و اعلام کرد اگر جمهوری اسلامی به مردم حمله کند، او و دولتش برای "دفاع" از مردم آماده حمله به ایران اند! بدنبال مایک پمپئو، مسئول سابق سازمان "سیا" و وزیر پیشین امور خارجه آمریکا، به دفاع از سخنان ترامپ و تهدیدات او و اسرائیل علیه ایران به بهانه "دفاع" از اعتراضات مردم ایران پرداخت.

در این میان، رضا پهلوی و نیروی ارتجاعی او، مدافعین حمله نظامی به ایران، بار دیگر جان گرفته و به جست و خیز افتاده اند و در محافل امنیتی و لابی های دول غربی به نام "جلب حمایت از مردم ایران" فعال شدند. رضا پهلوی در کمال وقاحت و بی شرمی از ترامپ به خاطر تهدید به حمله نظامی به ایران قدردانی کرده است. فردی که سالهای مدیدی است رسماً به عنوان همکار مراکز امنیتی اسرائیل و آمریکا و به نام مخالفت با جمهوری اسلامی، چشم به انتظار حمله نظامی به ایران است و به شغل حقیر خود افتخار میکند، در این مدت با پیامهای مشمنز کننده مردم ایران را خطاب قرار میدهد و قول "رستگاری" آنها بر شانه دخالت جنایتکار ترین دول تاریخ جهان، آمریکا و اسرائیل از راه بمباران ایران را میدهد. نئوپهلویست های فاشیست برای تبدیل رضا پهلوی، این عنصر بی ریشه و بی اعتبار، سرلشکر بی سرباز، به "رهبر منتخب مردم" دست به جعل و دستکاری فیلم اعتراضات مردم در ایران و سوار کردن شعارهای خود ساخته در دفاع از "شاهزاده" و پخش آن از کانال میدیای رسمی خود، دستگاه بی آبروی پخش دروغ، زدند. اما این اقدامات بیش از گذشته نه تنها بی اعتباری، شارلاتانیسم، حقه بازی و همزمان بی نفوذی جریان سلطنت طلب را به نمایش گذاشت، که بعلاوه نفرت از او و اقمارش را بیش از پیش کرد. شعارهای "نه رهبری نه پهلوی، آزادی و برابری" دوباره در اعتراضات طنین افکن شد.

دولتهایی که پرونده سیاهی از کشتار و بمباران مردم بیگناه در نوار غزه، کرانه باختری، عراق، افغانستان، لبنان، یوگوسلاوی، سوریه و لیبی و... دارند، امروز با پرچم "دفاع" از مردم در ایران به میدان آمده اند و نام مهره بیمایه ای چون رضا پهلوی را بعنوان "نماینده" مردم آزادیخواه ایران در بوق و کرنا میکنند، چیزی که نفرت عمیق

مردم در ایران را بر انگیزته است و دستمایه ای برای جمهوری اسلامی علیه آنان شده است.

حمله دولت ترامپ به ونزولا و تروریسم آشکار دولتی و آدم ربایی بیشرمانه مادورا و همسرش و تهدید به حمله مجدد به این کشور و اداره آن توسط دولت امریکا تا اطلاع ثانوی، آخرین دسته گل "دمکراسی" غربی و ارمغان ترامپ برای مردم این کشور است.

چهره کریه دولت آمریکا و اسرائیل، تروریسم عریان و آدم کشی و جنایات آنها در منطقه و جهان، قلدری و جنگ طلبی آشکار آنان و پادوهای بی اعتبار آنان از جمله رضا پهلوی و اقمارش، مورد نفرت عمیق مردم آزادیخواه ایران است.

مردم آزادیخواه ایران، کارگران، زنان، نسل جوان آزادیخواه و محرومان این جامعه، هزاران بار دست رد به سینه "ناجیان" خود گمارده آمریکا و اسرائیل زده اند. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران در جدالی همه جانبه با جمهوری اسلامی برای رفاه و آزادی و برای سرنوشتی انقلابی آتند. از نگاه این مردم دولت آمریکا و اسرائیل و متحدین آنها و هواداران و پادوهای سینه چاک آنان در میان اپوزیسیون ایران، در صف دشمنان قسم خورده شان قرار دارند. سیاست تا کنونی آنها از تهدیدات جنگی تا تحریمهای اقتصادی، از جنگ ۱۲ روزه تا تهدیدات اخیر آنها، بزرگترین لطمه را به جنبش آزادیخواهانه مردم ایران زده و بزرگترین خدمت را به جمهوری اسلامی علیه این جنبش کرده است.

پیامهای سران امریکا و اسرائیل و موساد در همین چند روز بزرگترین هدیه به جمهوری اسلامی برای سرکوب اعتراضات و دستگیری معترضین با پرونده سازی های رایج به نام "جاسوس موساد" و "مامور" آمریکا و اسرائیل است.

مردم ایران نیازی به حمایت موساد و سران جنایتکار اسرائیل و گانگسترهای نظامی حاکم بر امریکا و خدم و حشم آنان در صف اپوزیسیون، از جمله جریان بی ریشه و حاشیه ای، عقب مانده و چاقو کش طرفدار رضا پهلوی، ندارند. جواب مردم آزادیخواه ایران به این لشکر این است: گورتان را کم کنید و دست از سر مردم ایران بردارید!

طبقه کارگر و بخش محروم جامعه وارد دوره ای حساس از جدال خود با بورژوازی ایران و حکومت آن، برای بهبود و برای جامعه ای مرفه، آزاد و برابر شده اند و برای پیروزی در تلاش متحد کردن و سازمان دادن صفوف نیروی عظیم خود هستند. جدالی که رنگ خود را به همه تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همه معادلات در ایران و حتی منطقه زده است. جدالی که نه تنها بورژوازی حاکم و حکومتش که بعلاوه کل ارتجاع در اپوزیسیون را از ترس تحولات انقلابی بر رهبری طبقه کارگر آگاه را، به تکاپو انداخته است. بی تردید در این مسیر نه تنها مقابله همه جانبه با بورژوازی ایران و حکومتش که بعلاوه افشا نقشه های شوم دولتهای قلدر و جنگ طلب و تروریست از جمله اسرائیل و امریکا و سربازان سینه چاک آنان در میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی، بخشی جدی از تلاش ما برای رهایی واقعی است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۴ دی ماه ۱۴۰۴ - ۴ ژانویه ۲۰۲۶

میان آنچه یک سناریوی سیاه نامیده‌ایم با یک تلاطم انقلابی یک دنیا تفاوت هست. بحث سناریوی سیاه صرفاً بر سر وقوع درگیری و کشمکش خونین نیست. تصویر ارتشی که روی مردم شلیک میکند و مردمی که فریاد میزنند "توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد" تصویری از یک سناریوی سیاه نیست. این تصویری از یک انقلاب است. در انقلاب مردمی هم خون ریخته میشود. اما مشخصه سناریوی سیاه عنصر استیصال در جامعه است. ناتوانی جامعه در درک اینکه این وضعیت چرا پیش آمده، تا کی ادامه پیدا میکند، چگونه ختم میشود. انقلاب صحنه کشمکش است. کشمکشی، گاه بسیار خونین، که از نظر خود توده مردم برای بهبود اوضاع اجتماعی ضروری شده است. هیچ سیر تحول تاریخی بی مشقت پیش نرفته است. اما من سناریوی سیاه را به وضعیتی اطلاق میکنم که در آن صحبت نه بر سر تحول جامعه، بلکه بر سر تخریب چهارچوب مدنی جامعه برخلاف میل و اراده مردم و در متن عجز و استیصال عمومی است.

این اوضاع در ایران هم میتواند رخ دهد. اینطور که اوضاع پیش میرود بعید نیست که روزی مردم جهان بر صفحه تلویزیون‌هایشان آوارگانی را ببینند که از شیراز و اصفهان و رشت و اراک گریخته‌اند و شیون میکنند که فلان جماعت اسلامی، فلان گروهان از جبهه آریاییان اصیل، یا بهمان شاخه مجاهدین، شهر و خانه و مدرسه‌شان را روی سرشان خراب کرده‌اند و مردم را به خون کشیده‌اند. این وضع میتواند نه یک حادثه استثنائی، بلکه یک قاعده، یک روش زندگی، در ایران بشود، که بیست سال طول میکشد. میتواند درست مثل لبنان دهه قبل و افغانستان و یوگسلاوی امروز در ذهن یک نسل از مردم یک وضعیت ازلی و ابدی را بسازد. گویی هرگز جز این نبوده و نمیتواند باشد.

منصور حکمت

انقلاب کارگری انقلابی از سر فقر و استیصال و ناچاری اوضاع کارگران نیست. انقلابی مبتنی بر آگاهی و آمادگی مادی و معنوی طبقه کارگر است. هرچه توده مردم کارگر از آزادی‌های سیاسی وسیع تری برخوردار باشند، هرچه شخصیت و حرمت مردم بطور کلی و طبقه کارگر بطور اخص در جامعه تثبیت شده تر باشد، هرچه طبقه کارگر از رفاه و امنیت اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و بطور کلی هرچه مبارزات کارگری و آزادیخواهانه موازین سیاسی و رفاهی و مدنی پیشروتری را به جامعه بورژوایی تحمیل کرده باشند، به همان درجه شرایط برای انقلاب کارگری علیه کلیت سرمایه داری آماده تر و پیروزی این انقلاب قاطعانه تر و همه جانبه تر خواهد بود. جنبش کمونیسم کارگری در صف مقدم هر مبارزه برای اصلاح موازین جامعه موجود به نفع مردم قرار دارد.

برنامه یک دنیای بهتر

اعتراضات سراسری و مردم آزادیخواه در کردستان

مردم آزادیخواه کردستان

امروز ۱۱ روز است که اعتراضات به فقر و گرانی روز افزون در شهرهای مختلف ایران در جریان است. جمهوری اسلامی در ابتدای اعتراضات بازار و کسبه در تهران و چند شهر دیگر، تلاش کرد با دادن امتیازاتی آنان را ساکت کند. اما اعتراض به فقر و گرانی، به استثمار و بی حقوقی، زن ستیزی و استبداد و اعدام و زندان، امری به قدمت عمر ننگین جمهوری اسلامی است که در راس آن طبقه کارگر و زحمتکشان و آزادیخواهان قرار دارند. این بخش جامعه در این سالها بار اصلی فقر و محرومیت، زندان و اعدام و بی حقوقی را بدوش کشیده است. سطح تعرض به کارگران و اقشار محروم جامعه چنان همه جانبه است که اکنون تأمین نان به اصلی ترین معضل اکثریت عظیم مردم در سراسر ایران و از جمله برای مردم محروم کردستان تبدیل شده است. در همین شرایط و در دل فقر و محرومیت عظیم کنونی، اقلیتی انگشت شمار به سودهای افسانه ای دست یافته اند چیزی که زیر حمایت همه جانبه حاکمیت به عنوان نماینده این اقلیت مفت خور پیش رفته است.

کارگران و اقشار محروم مردم کردستان همراه با مردم محروم در سراسر ایران علیه این توحش افسار گسیخته هر روز به شکلی برای تأمین ابتدایی ترین نیازمندی های زندگی با حاکمیت و طبقه سرمایه دار دست به گریبان هستند. اعتراضات هر روزه، اعتصابات کارگری، تجمعات مختلف بازنشستگان در شهرهای مختلف کردستان، اعتصاب و تجمع پرستاران، معلمان، اعتراض زنان و نسل جوان و ...، برای بهبود زندگی و آزادی و امنیت، روزانه در جریان است. اعتراضات اخیر که به طور سراسری گسترش یافته است و دهها شهر را در بر گرفته است، ادامه اعتراضات تاکنونی و بیان خشم عمیق جامعه به استثمار و فقر و استبدادی است که زبانه کشیده است.

جمهوری اسلامی ضمن وعده های پوچی که دیگر خریداری ندارد، دست به سرکوب همه جانبه زده است. تهدید مکرر فعالین و آزادیخواهان از جمله در کردستان، دستگیری های وسیع از معترضین و کشتار بیش از ۳۰ نفر و زندانی کردن صدها انسان معترض، تهدیدات روزانه مقامات اطلاعاتی، امنیتی و روسای جمهوری اسلامی و منتسب کردن اعتراضات بر حق مردم به عوامل دولت جنایتکار اسرائیل و امریکا و مراکز موساد و سیا و هواداران آنها در میان اپوزیسیون ضد کارگر و مرتجع، همگی برای پس زدن اعتراضات حق طلبانه و جنایی کردن اعتراض به فقر و بی حقوقی و استبداد است.

فعالین کارگری، کمونیستها

هدایت و سازمان دادن مردم معترض و اعتراضات شان برای آزادی و رفاه، وظیفه ما است. اکنون لازم است به هر شکل ممکن، حضور متحدانه مردم کردستان علیه گرانی و فقر کمرشکن، علیه استبداد حاکم و زندان و اعدام را تضمین کنیم. لازم است خواهان فوری تأمین حداقلهای زندگی، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی همه کسانی که در این دوره به جرم اعتراض و حق طلبی دستگیر شده اند و پایان تهدید و ارباب و در دفاع از حق زندگی امن و مرفه شویم.

رفقا!

ما در دوره ای بسیار حساس قرار گرفته ایم. اعتراض و مقابله با حاکمیت حق طبیعی میلیونها انسانی است که زیر خط فقر زندگی میکنند و خواهان یک زندگی مرفه، آزاد و سعادتمند اند. باید هوشیار باشیم و تلاش کنیم نفرت عمیق و بر حق مردم محروم از بنیان این وضعیت را برای رسیدن به پیروزی از تأمین مطالبات کوچک تا به میدان آوردن توده هر چه وسیعتر از مردم محروم و متحد کردن و قدرتمند کردن جنبش انقلابی و پایان دادن به حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بکشیم. باید هدایت و رهبری و عبور سالم اعتراضات را از مسیر پر پیچ و خم را به عهده بگیریم. باید تلاش کنیم اعتراضات توده ای حول مهم ترین مطالبات و پرچم آزادیخواهانه را به صورتی پیش ببریم که نیروی وسیع کارگران و اقشار محروم جامعه حول آن متحد به میدان بیاوریم.

بی تردید همگی میدانیم که نیروهای ارتجاعی و فرصت طلب، میکوشند اهداف ارتجاعی خود را به اعتراض بر حق مردم محروم آویزان کنند. میکوشند اعتراضات بر حق مردم محروم را به جنگی فوری و زودرس بکشانند به امید اینکه دولت نژاد پرست و فاشیست اسرائیل و امریکا به نام دفاع از مردم، دست به اقدامات خطرناک و از جمله حمله نظامی بزنند.

مردم کردستان همراه با مردم آزادیخواه در ایران بارها دست رد به سینه همه جریانات و گروههایی که به دخالت دولتهای فاشیستی امید بسته اند، زده اند. سیاست و عملکرد این جریانات و اربابان آنها تا کنون بیشترین ضربات را به مبارزه مردم محروم علیه جمهوری اسلامی زده است و حربه ای در دست جمهوری اسلامی برای سرکوب اعتراضات بر حق مردمی داده است.

مردم آزادیخواه در ایران برای آزادی و برابری، برای صلح و امنیت و زندگی انسانی، برای سرنگونی بختک جمهوری اسلامی و تعیین سرنوشت و اداره جامعه بدستان خود از کانال شوراهای مردمی منتخب خود سالها است در جدال اند. دولت امریکا و اسرائیل و هواداران آنها در صف مخرب ترین دشمنان مردم چون خود جمهوری اسلامی قرار دارند. باید ضمن هوشیاری و افشای تلاش این مرتجعین علیه سو استفاده جمهوری اسلامی و اتهامات کثیف او علیه اعتراض بر حق مردم، ایستاد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) همه کمونیستها، فعالین کارگری، فعالین رادیکال در جنبش حق زن، در میان معلمان و بازنشستگان و همه اقشار محروم در محل کار و مدرسه و محلات را، به تلاش همه جانبه برای اعتراض متحد زیر پرچمی رادیکال و انسانی فرا میخواند. ما در این مسیر در کنار شما و همراه شما هستیم. حزب ما همه جانبه برای رفع موانع این مسیر، برای هدایت درست اعتراضات و برای قدرتمند کردن و کسب پیروزی جنبش انقلابی موجود همراه شما رفقا میکوشیم.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۷ دیماه ۱۴۰۴ - ۷ ژانویه ۲۰۲۶

کارگران کمونیست

حزب حکمتیست (خط رسمی)، سنگر

اتحاد طبقاتی و تشکل حزبی شما است.

به این حزب پیوندید!



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر گردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سر دبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سر دبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

کانگستریسم دولتی و آدم ربایی

حمله نظامی دولت امریکا به ونزوئلا و ربودن مادورا، رئیس جمهور ونزوئلا، و همسر او به هر بهانه و با هر مستمسکی، اقدامی خطرناک در مسیر تشدید تروریسم عریان دولتی و کانگستریسم جهانی به رهبری امریکا است.

اطلاق دستگیری به این آدم ربائی توسط ترامپ و تهدید به حملات بعدی، نمونه زنده و زمخت افسارگسیختگی کانگستریسم حاکم در کاخ سفید و هژمونی تروریسم دولتی در سیاستهای دولت حاکم و سمبل "جهان آزاد" به رهبری امریکا است. تبلیغات ارکستر شده رسانه های رسمی برای مشروعیت دادن به این آدم ربایی آشکار تحت نام "دستگیری یک دیکتاتور" و ادعای "شادی مردم ونزوئلا از این دستگیری" قادر به لاپوشانی کردن این کانگستریسم عریان نیست.

این حمله نظامی و آدم ربایی نه فقط ته مانده های قوانین بین المللی را بی موضوع تر از همیشه کرد، که جهان را وارد دوره ای تاریکتر و خطرناکتر کرده است. دوره ای که آدم ربایی بر متن حمله نظامی را به سیاستهای ارتجاعی تاکنونی چون کودتا، ترور، رژیم چینج، انقلاب مخملی و....، دولت امریکا اضافه کرده است. عملیاتی که همزمان برای حفظ قدر قدرتی مطلق امریکا، به قیمت تشدید ترور، جنگ و تروریسم در جهان است.

اعلام اینکه دولت امریکا تا اطلاع ثانوی اداره و حکومت ونزوئلا را بدست خواهد گرفت، اعلام اینکه مقاومت در مقابل این سیاست، حملات نظامی دیگری در راه خواهد بود، حاکی از آینده تاریکی است که در انتظار مردم ونزوئلا قرار دارد. اشغال، رژیم چینج با اتکا به خطر حمله نظامی امریکا، جنگ داخلی، ادامه حکومت فعلی و خطر حمله نظامی و تحریمهای بیشتر و ادامه جنگ اقتصادی علیه میلیونها نفر در این کشور سناریوهای محتمل در مقابل مردم ونزوئلا است.

هیچ زمانی مانند ایندوره زندگی میلیاردهای انسان در کره خاکی توسط قدرتهای کانگستر و تروریست که به نام "جهان آزاد"، جهان را به میدان تاخت و تاز خود تبدیل کرده اند، در مخاطره نبوده است. برای نجات بشریت باید به این جهان وارونه و سیاه پایان داد.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۳ ژانویه ۲۰۲۶

قانون، اراده و منفعت طبقه حاکم است که بصورت مقرراتی برای همه وضع شده است. از عشق و انسانیت تا حق و عدالت، از هنر و خلاقیت تا علم و حقیقت، مقوله ای در جهان سرمایه داری وجود ندارد که مهر این وارونگی را بر خود نداشته باشد. این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت. این کار کمونیسم کارگری است. این هدف انقلاب کمونیستی طبقه کارگر است.